



سعید شریعی

فعال سیاسی اصلاح طلب

بخشی از شعارهایی که همه مسئولان و مقامات در همه ادوار گفته‌اند و بر پایه آنها از ملت رأی گرفته‌اند تحقق پیدا نکرده و صرفاً همان طور که از نامش نیز پیداست شعارهای انتخاباتی بوده است. حال اینکه تاجه میزان به این شعارها جامعه عمل پوشیده شود امری است جدا که باید دید اساساً دولت‌ها چقدر به این مساله همت می‌گذارند. هر چند که آنچه تاکنون مشاهده شده بخشی از شعارها و وعده‌ها به عمل و اجرا نمی‌رسند و لذا خیلی نباید به آنها دل بست و بحث و بررسی کرد. چراکه در طول تاریخ نیز هیچ مقامی نگفته که می‌خواهم برخلاف حقوق و مطالبات مردم عمل کنم. در نتیجه هر کس که به منصبی می‌رسد در وهله نخست از مردم خرج می‌کند که من آمده‌ام خدمتگزار همه مردم باشم که باید دید در عمل چه دستاوردها و راهکارهایی برای حل مشکلات و تحقق مطالبات مردم خواهند داشت. لذا آقای رئیسی در جایگاه رئیس جمهور وقتی صحبت از مردم می‌کند باید همه مردم را در نظر داشته باشد و پاسخگوی مطالبات و مرتفع کننده نیازها و خواسته‌های همه مردم باشد. آنهایی که به وی رأی دادند که رئیس جمهور به آنها متعهد است اما پرسش اینجاست که نوع رویکرد دولت در خصوص همه مردم و حتی آنهایی که به آقای رئیسی رأی ندادند چگونه است و مطالبات آنها نیز در حوزه‌های مختلف احصاء و در دستور کار قرار می‌گیرد؟ لذا آقای رئیس جمهور باید نسبت خود را بر آن جامعه رای که به وی رأی نداده‌اند مشخص کند که چگونه است و چه تکلیفی را برای آنها در نظر گرفته است. مثلاً وقتی گفته می‌شود که مردم از ما خواستند جلوی اینترنت یا فضای مجازی گرفته شود یا مردم خواستند گشت ارشاد داشته باشیم. از سویی این حرف‌ها درست است چون وعده‌ای این خواسته را داشته‌اند. از این جهت است که وقتی صحبت از مردم می‌شود باید مشخص شود مقصود از مردم آیا همه ملت هستند اگر این موضوع مدنظر باشد؛ از این نظر کاملاً مردمسالاری حاکم است.

محمد مهاجری:

### برخی نمایندگان منتقد دولت شده‌اند

یک فعال سیاسی اصولگرا درباره بر نامه‌های دولت سیزدهم گفت: این کار خوبی نیست که دولت‌ها ضعف‌هایش را به حساب کل نظام می‌گذارند، وقتی از نظام سخن می‌گوییم یک کلیت واحد است. اینکه دولتی یا مجلسی بگوید «من عین نظام هستم» نه واقعی است و نه منصفانه. محمد مهاجری گفت: البته خواست آقای رئیسی از مجلس برای حمایت دولت در حل مشکلات توقیفی منطقی است چون تمام تصور‌ها در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۴۰۰ این بود که حاکمیت یکدست به وجود می‌آید. اتفاقاً آقای رئیسی از همان ابتدا این را باور داشت که مجلس، قوه قضائیه، نهادهای اقتصادی خارج از دولت، احزاب و گروه‌های منتقد دولت قبل همه با دولت او همراه خواهند شد. وی افزود: طبیعی بود آقای رئیسی توقعش این نباشد که برخی مصوبات مجلس حمل بر عدم همراهی با دولتش تصور شود. در مقابل نمایندگان می‌گویند «ما قانونی برای موضوعات معیشتی، کوبن و یارانه تصویب کردیم و دولت نمی‌خواهد آن را اجرا کند» بنابراین فشار می‌آورند تا آن قانون اجرا شود. دولت شرایط خودش را می‌داند و می‌گوید «در وضعیت کنونی آن اتفاق نمی‌تواند بیفتد». این فعال رسانه‌ای ادامه داد: آقای رئیسی از مجلس توقع دارد که برخی قوانین قبلی اصلاح شود. البته باید به او حق داد که چنین انتظاری داشته باشد چون این انتظاری است که آقای رئیس جمهور براساس آن بر سر قدرت آمد، اما واقعیت آن است که هر چه مجلس پیش از این در خود نزدیک بود اختلاف نظرش با دولت زیاد خواهد شد. مهاجری یاد آور شد: نمایندگان مجلس می‌خواهند در انتخابات سال آینده دوباره رأی بیاورند و در پارلمان بمانند بنابراین اگر قرار باشد وضعیت کنونی ادامه پیدا کند نمایندگان نمی‌توانند از دولت دفاع کنند. این فعال مطبوعاتی بیان کرد: وقتی بیش از ۲۰۰ نماینده این مجلس نامه نوشتند و از آقای رئیسی برای نامزدی در انتخابات دعوت کردند الان خیلی‌هاشان در حوزه‌های انتخابیه زیر سوال رفتند چون مردم از آنها می‌پرسند چرا وعده‌های دولت عملی نشده است؛ در چنین وضعیتی نمایندگان اگر بخواهند همچنان اقدامات دولت را توجیه کنند در انتخابات سال آینده مجلس افرادی می‌آیند رقیب همین نمایندگان می‌شوند و با نقد وضع موجود رقابت را خواهند برد؛ برای اینکه چنین اتفاقی نیفتد این نمایندگان امروز سکوت کرده‌اند یا خودشان منتقد دولت شده‌اند که رفتار آنها کاملاً توجیه دارد.

### مردم از مذاکرات مطلع باشند بهتر همکاری می‌کنند

نماینده تهران در مجلس بر لزوم اطلاع‌رسانی به مردم درباره مذاکرات هسته‌ای تأکید کرد. غلامحسین رضوانی گفت: اطلاع‌رسانی به مردم درباره مذاکرات هسته‌ای ضروری است. زمانی که دشمنی به سرکردگی آمریکا رژیم صهیونیستی و انگلیس در جریان است چه دلیلی دارد که مردم از مذاکرات اطلاع نداشته باشند؟ اگر مردم از مذاکرات مطلع باشند بهتر همکاری می‌کنند. وی ادامه داد: مسئول مذاکرات از منافع ملی پافشاری کند. البته از جهت گیری دولت در سیاست خارجی تشکر می‌کنیم که پس از دولت گروگانگیر سلامت و معیشت، سیاست خارجی را به روال متوازن برگرداند و از هیاهوی غربرگانه‌هایی که طرفدار سیاست‌های فقط غربی هستند نهراسد. همچنین به سیاست نه شرقی نه غربی که همان سیاست متوازن از اول انقلاب وفادار ماند.

غلامعلی رجایی در گفت و گو با «آرمان ملی»:

# احیای برجام برای دولت اعتبار می‌آورد

ممكن است اصولگرایان به سمت سیستم نخست وزیر حرکت کنند

برخی اصولگرایان دولت را تحت فشار قرار داده‌اند تا خود را به مردم اثبات کنند

اصولگرایان متوجه خطر تندروی شده‌اند

عملکرد دولت و مجلس سرمایه اجتماعی اصولگرایان را افزایش نداده است

مرزبندی اصولگرایان معتدل از تندرو پسندیده است

رئیسی با وجود یک رقیب جدی در انتخابات شرایط سختی خواهد داشت



«آرمان ملی»- احسان انصاری: مرزبندی‌های بین طیف‌های مختلف جریان اصولگرای بی‌روز به‌روز شکل پررنگ‌تری به خود می‌گیرد. از یک طرف اصولگرایان معتدل اصولگرایانی که در دولت و مجلس قرار دارند را نماینده همه جریان اصولگرای نمی‌دانند و از سوی دیگر رویکردی که اصولگرایان حاضر در دولت و مجلس در پیش گرفته‌اند با خواست برخی از اصولگرایان فاصله دارد. از سوی دیگر در روزهای گذشته انتقادات نمایندگان اصولگرای مجلس نسبت به عملکرد دولت افزایش پیدا کرده است. «آرمان ملی» برای تحلیل و بررسی چالش‌های درونی جریان اصولگرای و تأثیر آن بر پایگاه اجتماعی این جریان با دکتر غلامعلی رجایی، استاد دانشگاه و فعال سیاسی گفت و گو کرده است. دکتر رجایی معتقد است: «من معتقدم یکی از مهم‌ترین اقداماتی که اصولگرایان باید انجام بدهند تعیین تکلیف تندروهاست. اگر کسانی در جریان اصولگرای به دنبال این رویکرد هستند باید این اتفاق را به فال نیک گرفت. اصولگرایان متوجه شده‌اند که اگر تندروی‌ها ادامه پیدا کند به اعتبار جریان اصولگرای در سطح جامعه آسیب می‌زند. این اتفاق مهمی است که امروز در جریان اصولگرای رخ داده است». در ادامه حاصل این گفت و گو را می‌خوانید.

اصولگرایان در سال‌های گذشته

با چالش سرمایه اجتماعی مواجه بودند. به همین دلیل به دنبال این بودند با دست گرفتن دولت و مجلس سرمایه اجتماعی خود را ارتقا بدهند. آیا عملکرد مجلس یازدهم و دولت سیزدهم باعث شده جریان اصولگرای بنواند سرمایه

اجتماعی خود را ارتقا بدهد؟

دولت و مجلس دارای یک مشی فکری هستند و به‌رغم هزینه‌های سیاسی و اجتماعی که برای حضور اصولگرایان در دولت و مجلس داده شد اما دولت و مجلس هنوز نتوانسته‌اند مشکلات اساسی مردم را حل کنند و این مشکلات همچنان پابرجاست. در زمینه سیاست خارجی نیز همچنان

باتوجه به شرایط امروز جامعه و وضعیتی که

اصولگرایان در آن قرار دارند هر احتمال می‌توان نسبت به

آینده داد. در شرایط کنونی این احتمال وجود دارد که

اصولگرایان در آینده به سمت سیستم پارلمانی و

نخست‌وزیری حرکت کنند

و رویکردی در پیش بگیرند

که رئیس جمهور به مجلس نخست‌وزیر نیز مأمور تشکیل

دولت شود

در شرایطی قرار دارند که باید در مرحله

بعدی تصمیم جدیدی بگیرند.

بین اصولگرایانی که در دولت و

مجلس حضور دارند و اصولگرایان

معتدل مرزبندی صورت گرفته است.

از یک طرف اصولگرایان

معتدل، کسانی که در دولت

و مجلس حضور دارند را نماینده

قالبه اصولگرای نمی‌دانند

از سوی دیگر

دولت و مجلس

رویکردی در پیش گرفته که با

مشی اصولگرایان معتدل متفاوت

است. اصولگرایان چگونه می‌توانند

از چالش‌های درونی خود عبور کنند؟

مرزبندی اصولگرایان معتدل

از اصولگرایان تندرو امر پسندیده‌ای

است. به تازگی آقای ذوالنور اعلام کرده که

با برجام مخالف است. جای سوال وجود دارد

که چطور فردی که در گذشته در کمیسیون امنیت ملی مجلس نیز مسئولیت داشته

چنین سخنانی را به زبان می‌آورد در حالی

که در شرایط کنونی اراده‌ها بر امضای برجام لغو تحریم‌هاست. به نظر می‌رسد برخی

هنوز شرایطی را بر درک نمی‌کنند که اگر برجام امضا شود به اعتبار دولت افزوده

می‌شود و دولت می‌تواند به واسطه احیای برجام بسیاری از مشکلات اقتصادی کشور

را حل کند. من معتقدم یکی از مهم‌ترین اقداماتی که اصولگرایان باید انجام بدهند

تعیین تکلیف تندروهاست. اگر کسانی در جریان اصولگرای به دنبال این رویکرد

هستند باید این اتفاق را به فال نیک گرفت. اصولگرایان متوجه شده‌اند که اگر تندروی‌ها ادامه پیدا کند اعتبار جریان اصولگرای

در سطح جامعه آسیب خواهد دید. این اتفاق مهمی است که امروز در جریان

اصولگرای رخ داده است. به هر حال در انتخابات ریاست جمهوری و مجلس شورای

اسلامی اصولگرایان با رأی بالایی به پیروزی نرسیدند. در برخی حوزه‌های انتخاباتی به دلیل اینکه کاندیداهای اصلاح طلب رد

صلاحت شده بودند کاندیدای اصولگرا به پیروزی رسیدند و وارد مجلس شدند.

بخش‌هایی از جامعه که به اصولگرایان رأی دادند نیز از جمله اقشاری بودند که مسائل اقتصادی و تغییر وضعیت معیشتی برای آنها حائز اهمیت بود. به همین دلیل اگر این بخش‌ها تغییری در وضعیت اقتصادی و معیشتی خود مشاهده نکنند و اقدامات دولت و مجلس نتواند شرایط زندگی آنها را تغییر بدهد این احتمال وجود دارد که در انتخابات آینده رویکرد دیگری در پیش

بگیرند. من معتقدم وضعیت اصولگرایان در

انتخابات مجلس آینده و همچنین وضعیت آقای رئیسی در انتخابات ریاست جمهوری

آینده به مراتب از وضعیت انتخابات گذشته سخت خواهد بود و اصولگرایان با

چالش‌هایی مواجه می‌شوند.

چرا چالش‌های اصولگرایان را در انتخابات بعدی جدی می‌داند؟

با توجه به شرایط امروز جامعه و وضعیتی که اصولگرایان در آن قرار دارند هر احتمالی

را می‌توان نسبت به آینده داد. در شرایط کنونی این احتمال وجود دارد که اصولگرایان

در آینده به سمت سیستم پارلمانی و نخست‌وزیری حرکت کنند و رویکردی در پیش

بگیرند که رئیس جمهور به مجلس نخست‌وزیر معرفی کند و نخست‌وزیر نیز مأمور

تشکیل دولت شود. در سیستم پارلمانی دولت در مقابل مجلس قرار دارد و مجلس در

مقابل دولت. در چنین شرایطی اینکه میزان آرای رئیس جمهور در انتخابات به چه میزان

باشد حائز اهمیت است. اگر این اتفاق رخ بدهد پارلمان

دولت را انتخاب می‌کند و دولت نیز به جای اینکه در

مقابل رئیس جمهور پاسخگو باشد باید در مقابل

پارلمان پاسخگو باشد. معمولاً

در ایران دوران ریاست جمهوری

یک رئیس جمهور دو دوره‌ای می‌شود.

در شرایط کنونی نیز این وضعیت محتمل است و احتمال اینکه

دولت آقای رئیسی دولت آقای بنی‌هاشت ساله شود

وجود دارد. تنها در شرایطی که سیستم

پارلمانی بر کشور حاکم شود این اتفاق رخ خواهد داد. در شرایط کنونی اصولگرایان

چاره‌ای به جز این ندارند که به ارتقای پایگاه اجتماعی خود فکر کنند و تلاش کنند از این

وضعیت جلوگیری کنند. در غیر این صورت نسبت به انتخابات گذشته کاهش خواهد

داشت و این کاهش نیز محسوس خواهد بود. احتمال دیگری که در این زمینه وجود دارد

این است که فضای انتخابات رقابتی‌تر شود و یک رقیب جدی از جریان اصلاحات خود را

به عنوان رقیب آقای رئیسی معرفی کند. در چنین شرایطی نیز این احتمال وجود دارد

که آقای رئیسی در انتخابات شرایط سختی خواهد داشت.

آیا اصولگرایان به دلیل تقویت پایگاه اجتماعی خود به سمت تغییر

سیستم و روی کار آمدن سیستم نخست‌وزیری حرکت می‌کنند؟

تغییر سیستم تنها به دلیل پایگاه اجتماعی اصولگرایان نیست و بلکه یک احتمال است

که مطرح می‌شود. این این طرح بی‌پایه

مخالفان و موافقان خاص خود است و باید

مورد بررسی بیشتری قرار بگیرد. در انتخابات اخیر مجلس و دولت اصولگرایان با رقیب

جدی در انتخابات مواجه نبودند و اغلب

چهره‌های اصلاح طلب رد صلاحیت شده بودند. به همین دلیل نیز اصولگرایان کار

سختی برای پیروزی در انتخابات نداشتند. این در حالی است که اگر رقیبی جدی در

صحنه حضور داشت شاید شرایط به شکل دیگری رقم می‌خورد. به همین دلیل در

انتخابات آینده نیز حضور یا عدم حضور یک رقیب جدی برای اصولگرایان حائز اهمیت

خواهد بود.

آیا جریان اصولگرای به توجه به شرایط کشور به این نتیجه رسیده که

باید در گفت‌وگو خود و مدیریت کشور تغییر و تحول ایجاد کنند؟

من فکر می‌کنم هر کسی شرایط موجود را مشاهده کند چاره‌ای به جز اصلاحات

ندارد و بسه ناچار بایستد در وضعیت کنونی اصلاحات به وجود بیاورد. به نظر

می‌رسد اصولگرایان این ضرورت را درک کرده‌اند.

همین دلیل نیز رویکرد خود را از طیف تندرو جریان

اصولگرای جدا کرده‌اند و رویکرد دیگری در پیش

گرفته‌اند. نکته دیگری که

وجود دارد این است که برخی از اصولگرایان دولت را

نقد می‌کنند و تحت فشار قرار می‌دهند تا به مردم

اثبات کنند در راستای دغدغه‌های آنها حرکت می‌کنند.

این در حالی است که سفرهای نمایندگان به حوزه‌های انتخابیه خود مانند گذشته نیست. اخباری منتشر شده نمایندگان

هنگامی که به حوزه‌های انتخابیه خود سر می‌زنند با واکنش مردم مواجه می‌شوند.

نماینده‌گانی که امروز در مجلس حضور دارند در انتخابات آینده چه پاسخی درباره عملکرد خود دارد که بتوانند دوباره مردم را به حضور

در انتخابات دعوت کنند. اصولگرایان راهی به جز اصلاح وضعیت موجود ندارند.

نماینده‌های اصولگرای مجلس همچنین می‌توانند با استیضاح برخی وزرای ناکارآمد

دولت برخی مدیران را تغییر بدهند تا بتوانند برای انتخابات آینده پایگاه رأی خود

ایجاد کنند. بعد از کنار گذاشتن عبدالملکی دولت باید برخی وزرا و استانداران دیگر

خود را نیز تغییر می‌داد. به هر حال مدیران ناکارآمد می‌توانند کارنامه کلی دولت را

تحت الشعاع قرار بدهند. به همین دلیل نیز دولت بهتر است هر چه زودتر تصمیمات

جدیدی درباره تغییر مدیران ناکارآمد خود بگیرد.

### نگاه چهره‌های سیاسی به سفرهای استانی

اگرچه سفرهای استانی و نظارتی به یک سنت در میان مسئولان دولتی تبدیل شده است اما، محمود احمدی نژاد با نوع رویکرد پوپولیستی که در این سفرها داشت پرحاشیه ظاهر شد. قرن نو نوشت، سفرهای استانی البته مورد استقبال روسای جمهور بعد از او نیز قرار گرفت و در دولت روحانی نیز پیگیری شد. ابراهیم رئیسی نیز روی کار آمده و تاکنون که به یک‌سالگی دولت رسیده‌ایم، او از ۳۱ استان کشور بازدید کرده است.

رکورد رئیسی: هشدار باهتر

سیدمحمدحسینی، معاون پارلمانی ابراهیم رئیسی، با اشاره به سی‌ویکمین سفر استانی رئیس جمهور گفت: «این یک رکورد محسوب می‌شود. دولت‌های نهم و دهم در دو سال به همه استان‌ها رفت، اما در این دولت، رئیس‌جمهور در یکسال به همه استان‌ها سفر کرد.» اما، در این میان، محمدرضا باهنر، ضمن انتقاد از وزرای دولت سیزدهم گفته: «دولت نباید فکر کند فقط سر زدن به مردم مشکلات را حل می‌کند، یکی از کارهای اشتباه وزرا این است که در هر سفر کلی وعده و وعید می‌دهند. در صورتی که امکانات وجود ندارد که وعده می‌دهند، مشکلات با شیوه دستوری حل نمی‌شود. یکسری لوازم و مقدمات می‌خواهد. دولت‌مردان بروند سر بزندان و همدردی کنند، برنامه تعریف کنند برای حل مشکلات، اما وعده و وعید ندهند.» با این حال منصور

حقیقت پور، فعال سیاسی اصولگرا، از سفرهای استانی رئیسی تلویحاً دفاع می‌کند و البته توصیه‌هایی نیز به دولت‌مردان دارد. او با اشاره به دستاوردهای سفرهای استانی رئیس جمهور گفت: سفرهای استانی برکت است. اینکه هیات دولت خود را در معرض انواع مشکلات و مسائل مختلف مناطق قرار بدهد، باید به این منتج شود که تصمیمات اساسی قابل اجرا هم گرفته شود. یعنی تصمیمات به‌گونه‌ای نباشد که در ستادها گرفته شود اما، اجرا نشود. وی گفت: باید شعارها، اهداف و برنامه‌هایی را انتخاب کنیم که قابلیت اجرایی داشته باشد. شعاری ندیمیم که قابلیت اجرایی نداشته باشد و ایجاد سرخوردگی کند. کمبود نیاز به اخذ تصمیمات صحیح دارد و امیدوارم که در قالب سفرهای استانی و نشست‌های تخصصی امکان‌پذیر باشد.

آمایش سرزمین

اما، محمدرضا خیار، فعال سیاسی اصلاح طلب، انتقادهایی به سفر استانی دولت احمدی نژاد داشت او گفت: «سفرهای استانی که در زمان آقای احمدی نژاد اتفاق افتاد، با نوعی نگاه پوپولیستی بود، چرا که از نظر اعتباری انتفاقی نمی‌افتاد، فقط سازمان برنامه و بودجه کشور با رئیس

سازمان برنامه بودجه هر استانی هماهنگ می‌کردند تا بودجه‌های مصوب مجلس را

تنگ می‌داشتند تا آقای احمدی نژاد به آن استان مراجعه کند. بعد از مراجعه آقای

احمدی نژاد به استان‌ها می‌گفتند که ما امکانات را در اختیار شما قرار می‌دهیم. در صورتی که آن امکانات و اعتباراتی ایشان

به مردم اختصاص می‌داد، بودجه مصوب مجلس هفتم بود. و مردم فکر می‌کردند

اعتبار جدیدی به شهرشان آمده است، اما به دلیل تبلیغات رسانه‌های همسوی آقای

احمدی نژاد، طبیعتاً برای مردم این سفرها جذبه داشت.» وی ادامه داد: «در این سفرها

اتفاق خاصی نمی‌افتد، چراکه اعتباری نیست تا به مردم بدهند. رفتن آقای رئیسی هیچ بار مالی برای استان‌ها ندارد یا بسیار

کم است.» این سیاستمدار اصلاح طلب گفت: آقای رئیسی که به شهرشان‌ها

می‌روند پای درد و دل مردم می‌نشینند و قول‌هایی می‌دهند. آقای رئیسی دوست

دارند به صورت مستقیم با مردم روبه‌رو شوند، باید بروند و ببینند زیر مجموعه‌شان

با مردم چه رفتاری دارند. همچنین خیار، با ارائه پیشنهاداتی برای پیشرفت استان‌ها

گفت: «بهترین راه برای پیشرفت استان‌ها، آمایش سرزمین است که سال‌ها در سازمان

برنامه و بودجه آن را انجام نداده‌اند، آمایش سرزمین یعنی، خداوند متعال هر مزیتی

را که به هر استان داده است، همان مزیت را رشد بدهند. به‌طور مثال، فرض بگیریم

که استان‌های غرب کشور با استان‌های شرق کشور متفاوت است. در یک جا معادن

قوی است و در جای دیگر کشاورزی. برای کشاورزی چه نوع کشتی انجام بدهند؟ ما

در خشکسالی قرار داریم و برخی کشت‌ها مضرت است. باید به دنبال آمایش سرزمین که

در جهان اجرا می‌شود، برویم. وی تصریح کرد: از طریق آمایش سرزمین می‌توانند

پتانسیل‌های هر استان را بگیرند و بیشترین کار را روی آن انجام بدهند. به‌طور مثال،

من استاندار سمنان بودم و در این استان معادن بسیار قوی، وجود دارد. گاهی

در سخنرانی‌هایم می‌گفتم استان سمنان جدول مندلیف است که در شیمی طراحی

شده و اکثریت قریب به اتفاق معادن آن هم از نوع قوی در این استان است. یا در

استان خراسان رضوی، می‌توان روی بحث گردشگری تمرکز کرد.